

شیوه‌های گفتگو

در نهج البلاغه

پژوهشگر : کبری خدابخش دهقی

کارشناس ارشد نهج البلاغه

|                     |                                                           |
|---------------------|-----------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | خدابخش دهقی، کبری، ۱۳۶۵ -                                 |
| عنوان قراردادی      | نهج البلاغه، برگزیده، شرح                                 |
| عنوان و نام پدیدآور | شیوه‌های گفتگو در نهج البلاغه / پژوهشگر کبری خدابخش دهقی. |
| مشخصات نشر          | اصفهان: کانون پژوهش، ۱۳۹۲.                                |
| مشخصات ظاهری        | ۴۴۹ ص.                                                    |
| شابک                | ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۷-۹۸-۱                                         |
| نوع فهرست‌نویسی     | فیبا                                                      |
| موضوع               | علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.      |
| موضوع               | علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.      |
| نشان افزوده         | نهج البلاغه - نقد و تفسیر.                                |
| رده‌بندی شکره       | علی بن ابی‌طالب(ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.      |
| رده‌بندی دی‌رج      | نهج البلاغه، برگزیده، شرح                                 |
| شماره کتابشناسی     | Bp ۳۸/۰۴۲۲/خ۴۳ ۱۳۹۲ :<br>۲۹۷/۹۵۰۵<br>۳۲۷۷۴                |

## شیوه‌های گفتگو در نهج البلاغه

نویسنده: کبری خدابخش دهقی

ناشر: کانون پژوهش

چاپ: اصفهان

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۲۸۷-۹۸-۱

قیمت: ۲۴۰۰۰ تومان

کلیه حقوق محفوظ است.

## فهرست مطالب

|                                                |    |
|------------------------------------------------|----|
| مقدمه :                                        | ۱۳ |
| سه ویژگی در نهج البلاغه (جامعیت، عینیت، ابدیت) | ۱۴ |
| مسیحین نهج البلاغه بعد از ۱۴۰۰ سال :           | ۲۴ |

## فصل اول

|                                                                           |    |
|---------------------------------------------------------------------------|----|
| سیری در زندگانی امام اول شیعیان                                           | ۳۷ |
| روزنه                                                                     | ۳۹ |
| نام و نشان                                                                | ۳۹ |
| تعلیم و تربیت                                                             | ۴۱ |
| اولین انتساب به جانشینی                                                   | ۴۳ |
| جنگاوری                                                                   | ۴۶ |
| علی <small>علیه السلام</small> : شهر علم                                  | ۴۹ |
| امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> : مشاور بلند پایه و عالم یگانه    | ۵۱ |
| علی <small>علیه السلام</small> : جامع علوم گوناگون و متخصص عرصه های مختلف | ۶۲ |
| سکوت حضرت علی <small>علیه السلام</small> و علل آن                         | ۶۱ |
| نخستین برگ ورق می خورد                                                    | ۶۵ |

- آیا پیشنهاد عباس و ابوسفیان واقع بینانه بود؟ ..... ۶۷
- گروه کینه‌توز ..... ۶۹
- سکوت پر معنی ..... ۷۱
- جناح سوم و مسئله خلافت ..... ۷۲
- عقده‌ها و کینه‌های دیرینه ..... ۸۲
- اتحاد مسلمانان ..... ۸۶
- په‌بنای ای سیاسی در دوران امام علی علیه السلام ..... ۸۸
- ۱- جنگ جمل ..... ۹۳
- ۲- پیدایش خوارج ..... ۹۷
- ۳) جنگ نهروان ..... ۹۸
- ۴) غارات ..... ۱۰۰
- برآیندها و پیامدهای حکومت امام علی علیه السلام ..... ۱۰۱
- تشیع و جریانهای فکری - سیاسی ..... ۱۰۲
- تشیع و شیعیان ..... ۱۰۲
- عثمانیه ..... ۱۰۶
- خوارج ..... ۱۰۸
- قاعدین ..... ۱۰۹
- انواع خطاب به مردم کوفه ..... ۱۱۰
- موقعیت جغرافیایی کوفه ..... ۱۱۰

|                                                     |     |
|-----------------------------------------------------|-----|
| تأسیس کوفه :                                        | ۱۱۳ |
| زمینه‌ها و انگیزه‌های تأسیس :                       | ۱۱۵ |
| روان‌شناسی جامعه کوفه :                             | ۱۱۸ |
| صفات و ویژگیهای مثبت کوفیان :                       | ۱۱۹ |
| صفات و ویژگیهای منفی کوفیان :                       | ۱۲۳ |
| کوفه و علی (ع) :                                    | ۱۳۰ |
| کوفه و زلمه علی (ع) :                               | ۱۳۲ |
| علل انتخاب کوفه به عنوان مرکز حکومت امام علی (ع) :  | ۱۳۵ |
| روابط امام علی (ع) و کوفه :                         | ۱۳۹ |
| آغاز چالش :                                         | ۱۴۰ |
| سه رویکرد در بررسی برکناری علی (ع) :                | ۱۴۴ |
| ماجرای «خون‌خواهی عثمان» :                          | ۱۵۳ |
| راهبرد اصلی معاویه از «خون‌خواهی عثمان» :           | ۱۵۷ |
| موضع‌گیری امام علی (ع) در برابر «خون‌خواهی عثمان» : | ۱۶۰ |
| مسالمت‌جویی امام علی (ع) :                          | ۱۶۳ |

## فصل دوم

|                                 |     |
|---------------------------------|-----|
| معنی لغوی خطاب :                | ۱۸۵ |
| مشتقات واژه خطاب در قرآن کریم : | ۱۸۸ |

- ۱۸۸..... به معنای روبرو سخن گفتن :  
 ۱۸۸..... به معنای مراجعه کردن با سخن :  
 ۱۸۹..... به معنای سخن و کلام :  
 ۱۸۹..... به معنای علم قضاوت :  
 ۱۹۱..... (خطبه) به معنای خواستگاری :  
 ۱۹۱..... شایسته امر عظیم (کار) :  
 ۱۹۲..... کتاب در علم اصول :  
 ۱۹۳..... سبب خطاب :  
 ۱۹۳..... ادات ندا :  
 ۱۹۵..... اهداف ندا :  
 ۱۹۷..... تذکرات :

## فصل

- ۱۹۹..... اهداف خطیب در گفتن خطبه، یا نوشتن نامه :  
 ۲۰۲..... حوزه آگاهی و اندیشه :  
 ۲۰۳..... اهداف خطیب در خطبه‌هایش :  
 ۲۰۴..... ۱- آگاهی دادن و اطلاع رسانی :  
 ۲۰۴..... ۲- تعلیم و آموزش :  
 ۲۰۵..... ۳- واداشتن به تفکر و اندیشیدن :

- ۴- ارتقاء سطح بینش : ..... ۲۰۷
- ۵- ایجاد نگرش و ذهنیت صحیح : ..... ۲۰۹
- ۶- ایجاد قدرت نقدی : ..... ۲۱۰
- ۷- یادآوری و تذکر : ..... ۲۱۳
- نگاهی به اهم عناوین و موضوعات یک خطبه‌ی دینی : ..... ۲۱۵
- اهداف کلی در حوزه اندیشه : ..... ۲۱۶
- اهداف گرایش : ..... ۲۱۸
- چگونگی تأثیر بر گرایش‌ها : ..... ۲۲۱
- انواع اهداف در حوزه گرایش‌ها : ..... ۲۲۳
- ۱- ایجاد گرایش‌های خوب : ..... ۲۲۴
- ۲- اصلاح گرایش‌ها : ..... ۲۲۵
- ۳- تقویت گرایش‌های خوب : ..... ۲۲۶
- ۴- کشف گرایش‌های فطری اصیل و سالم : ..... ۲۲۷
- ۵- تجلی گرایش‌های خوب : ..... ۲۲۹
- ۶- ایجاد انس : ..... ۲۳۰
- ۷- برانگیختن احساس و انگیزه : ..... ۲۳۱
- نگاهی به اهم عناوین و موضوعات گرایش‌های معنوی : ..... ۲۳۲
- اهداف سلبی در حوزه گرایش‌ها : ..... ۲۳۵
- حوزه رفتار : ..... ۲۳۸

- حوزه سخنوری (خطاب قرار دادن مخاطبان) : ..... ۲۴۲
- هنرهای سخنرانی : ..... ۲۴۲
- فصاحت خطیب : ..... ۲۴۲
- بلاغت خطیب : ..... ۲۴۳
- تشویق کردن مخاطبان : ..... ۲۴۳
- محبت تشویق : ..... ۲۴۵
- احترام خصیت مخاطبان در هنگام خطبه خواندن : ..... ۲۴۵
- به نرمی سخن گفتن : ..... ۲۴۶
- اثر احترام گذاشتن به مخاطبان : ..... ۲۴۷
- روش انذار و تنبیہ (تذکار دادن به مخاطب) : ..... ۲۴۸
- کاربری تربیتی انذار و تنبیہ (تذکار دادن) : ..... ۲۴۹
- محبت کردن در هنگام خطبه خواندن به مخاطب : ..... ۲۵۱
- وجود نوعی کشش در میان موجودات : ..... ۲۵۱
- علل سه گانه محبت ورزی انسان : ..... ۲۵۲
- جایگاه محبت در عرفان : ..... ۲۵۳
- نصیحت کردن مخاطبان در هنگام خطبه خواندن : ..... ۲۵۴
- چه عاملی باعث روی آوردن به نصیحت می‌شود؟ ..... ۲۵۵
- عامل کلیدی در کارساز بودن نصایح : ..... ۲۵۵
- نفرت و بیزاری از افعال مخاطبان : ..... ۲۵۹

عقل و خرد کافی خطیب : ..... ۲۶۲

### فصل چهارم

شکل‌های مختلف خطاب در نهج البلاغه : ..... ۲۶۵

خطاب هشدار ..... ۲۶۷

خطاب توبیخ ..... ۲۹۷

خطاب توبیخ آمیز ..... ۳۱۳

خطاب تادیب (گونه‌ها) ..... ۳۲۵

خطاب خصوصی با لفظ خصوصی ..... ۳۴۶

خطاب عمومی با لفظ خاص ..... ۳۵۳

خطاب خصوصی با لفظ عام ..... ۳۶۵

خطاب توبیخ آمیز ..... ۳۶۶

خطاب حسرت انگیز و درد آور ..... ۳۷۹

خطاب حقیقی به جمادات ..... ۳۸۲

خطاب عطفانه ..... ۳۸۲

خطاب تشویق ..... ۴۰۰

خطاب هیجان انگیز ..... ۴۰۰

خطاب پند آموز ..... ۴۰۸

خطاب شخص معین ..... ۴۲۶

- ۴۳۴..... خطاب گروه
- ۴۳۹..... خطاب احترام آمیز
- ۴۴۱..... خطاب تمسخر آمیز
- ۴۴۲..... منابع و مآخذ:

www.ketab.ir

مقدمه :

«الرَّحْمَنُ، عَلَّمَ الْقُرْآنَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ، عَلَّمَهُ الْبَيَانَ»<sup>۱</sup> یکی از نعمت‌های بزرگی که خداوند به انسانها عنایت فرموده قدرت بیان و تکلم است. این قدرت عظمی که بوسیله‌ی آن می‌توانند آنچه در باطن و وجودشان است به یکدیگر بفهمانند. بیان، کلامی است که از آنچه در ضمیر هست پرده بر می‌دارد. بیان می‌تواند شامل کتابت و خط و موارد دیگری هم باشد چون این اواهم می‌توانند مبین و آشکار کننده‌ی چیزی باشند، ولی شاخص آن و خطاب - همان سخن گفتن خدای سبحان - لغات را برای بشر منع کرده و سپس به وسیله‌ی وحی به پیغمبری از پیامبران و یا به وسیله‌ی انعام<sup>۲</sup> همه‌ی مردم آن لغات را به بشر تعلیم داده است. نخست با اشار و سپس با صدا و در آخر با وضع لغات یعنی قرار داد دسته جمعی به این هم بود پرداخت و این همان تکلم و نطق است. کتاب نهج البلاغه که تدریجاً روح الام علی<sup>۳</sup> است برای تعلیم و تربیت ما خفتگان در بستر منیت و در

حجاب خود خواهی، معجونی است برای شفا و مرهمی است برای دردهای فردی و اجتماعی، و مجموعه‌ای است دارای ابعادی متفاوت و بسیار به اندازه یک انسان و یک جامعه بزرگ انسانی. هدف کلی در این پژوهش بررسی انواع وجوه خطاب در نهج البلاغه است. که با روش جمع آوری اطلاعات از طریق بررسی بعضی از کتابهایی که در زمینه علم قرآنی، به دست آمده است. خطاب‌های نهج البلاغه هم نوعی از آن است که امام علی (علیه السلام) به وسیله خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها بشر را مورد خطاب قرار داده است تا حقایق را به آنها بفهماند. اما در ادبیت کند. ولی خطاب‌هایی که در نهج البلاغه بکار رفته متفاوت است. و پژوهشگر سعی کرده است این خطاب‌ها را بررسی کند و تحلیلی خوب خطاب داشته باشد.

### سه ویژگی در نهج البلاغه (جامعیت، عینیت، ابدیت)<sup>۱</sup>

اول: مسئله جامعیت نهج البلاغه.  
دوم: مسئله عینیت و واقع‌گرایی نهج البلاغه است.  
سوم: مسئله جاودانگی و ابدیت نهج البلاغه.  
می‌دانیم سنت تاریخ بشر این است که همیشه با روزهایی که گذشت، همیشه جوان‌ها را پیر کند، و کم‌کم از صفحه ذهن جامعه منور کند و دست فراموشی بسپارد، تمام حوادث تاریخ بشر مشمول این قانونند. این خاصیت علم ماده است. فرسودگی، کهنلت، با گذشت زمان بی‌رنگ شدن و محو

۱ - آیت الله مکارم شیرازی، سالنامه نهج شماره ۱۶ - ۱۱

شدن ولو مهمترین حوادث عالم باشد، جنگ‌های جهانی از حوادث مهم تاریخ بشر به شمار می‌رود، جنایتکارانی به جان هم افتادند، دهها میلیون کشته و مجروح بر جای گذاردند، حادثه‌ای بود که می‌بایست همیشه در خاطره‌ها باشد. اما سی و چهار سال که گذشت نسل تازه‌ای روی کار آمد، و اکنون خطرات جنگ‌های جهانی دارد فراموش می‌شود، در عالم ماده این سنت همیشه‌گی است. ولی اگر دقت کنیم می‌بینیم مسائلی استثنایی وجود دارند که این سنت جدا است، یعنی نه تنها گذشت زمان روی آن اثر نمی‌گذارد، بلکه بر عکس به جای اینکه کم‌رنگ بشود پررنگ‌تر و نامی‌تر و پرجوش‌تر می‌شود. در این باره نمونه‌هایی را می‌توان ذکر کرد: قرآن مجید در رأس آنهاست. نهج البلاغه از همین گونه‌هاست که گذشت زمان، گرد و غبار نسیان و فراموشی بر آن نیفتاده است. با وجود اینکه مرحوم علامه امینی در جلد چهارم الغدیر در شرح حال مرحوم سید رضی هشتاد و یک شرح و ترجمه برای نهج البلاغه نقل کرده، ولی در عین حال با اینکه از جمع‌آوری نهج البلاغه به وسیله مرحوم سیدرضی بیشتر از هزار سال گذشته است و هشتاد و یک شرح و ترجمه برای آن نقل شده، ولی باز هم انسان می‌بیند مسائل ناگفته در نهج البلاغه بسیار فراوان است و باز هم تازگی در آن زیاد است. چرا بعضی از مسائل از این سنت عمومی و دینی خود را جدا می‌کند و جاودانه می‌شود و علی‌رغم گذشت زمان می‌ایستد و بیش از رود؟ چرا حادثه کربلا این چنین جاودانه است؟ چرا بعد از هزار سال از جمع‌آوری نهج البلاغه به وسیله مرحوم سیدرضی این کتاب امروز از هر زمانی درخشنده‌تر است؟ در اینجا یک واقعیت است و من خیلی فکرم کرده‌ام می‌گویم و آن اینکه آنچه مربوط به جهان ماده است، خاصیت فرسودگی دارد. امیرالمؤمنین علیه السلام درباره خورشید و ماه می‌فرماید: این خورشید و ماه

«بیلیان کل جدید و یقربان کل بعید»<sup>۱</sup> خورشید و ماه اشاره به سال و ماه و زمان است، گذشت زمان هر نوئی را کهنه می‌کند و هر دوری را نزدیک می‌کند، چرا؟ برای اینکه خاصیت عالم ماده این چنین است، مهمترین چیزی که ما در عالم ماده با آن سر و کار داریم، خورشید یا آفتاب عالم تابعه، یک لیون و دویست هزار بار از کره زمین بزرگتر است، اما همین خورشید، گذشت زمان بر آن اثر می‌گذارد و کهنه و کم‌نور می‌کند، و همان چیزی است که در آن گفته: «إذا الشمس كورت» امروزه از طریق علم و دانش بشر ثابت شده که در هر ۲۴ ساعت، سیصد هزار میلیون تن از وزن خورشید کم می‌شود، و طبعاً زمانی می‌رسد که خاموش می‌شود، این خاصیت جهان ماده است اما اگر مسائلی از جهان ماده و چهارچوبه زمان و مکان قدم ببریم بگذریم با عالم ماوراء ماده و ذات پاک خدا که وجودی است ابدی پیدا می‌کند رنگ ابدیت به خود خواهد گرفت و گذشت زمان آن را فرسوده و کهنه نمی‌کند. خدا بی‌پایان است، طبعاً نمو ندارد، اما موجودات امکانیه‌ای که خدا ارتباط پیدا می‌کنند رنگ جاودانه پیدا کرده، دائماً به سوی او نزدیک می‌شوند به سوی تکامل پیش می‌روند، همانطوری که فرموده‌اند: «ما کره نمو»<sup>۲</sup> آنچه برای خداست نمو می‌کند. حادثه کربلا و جریان عاشورا از لحاظ حوادث است که هم ابدیت پیدا کرده هم نمو، بر نهج البلاغه نیز همین صفت حاصل است، هم جاودانگی پیدا کرده و هم روز به روز قلب‌های تازه‌ای دستخیز می‌کند و اندیشمندان جدیدی را به سوی خود جلب می‌کند، کنگره‌های علمی و

۱ - نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۸۹.

۲ - نهج البلاغه، فیض الاسلام، خطبه ۸۹.

بررسی نهج البلاغه تشکیل می‌شود و متفکرین بیشتری درباره نهج البلاغه مطالعه و تحقیق می‌کنند، این خاصیت ارتباط و پیوند با ذات پاک خدا است. نهج البلاغه از همان جایی جوشیده که قرآن جوشیده است، قرآن کهنه نمی‌شود، لذا نهج البلاغه هم کهنه نمی‌شود، الان مسائلی که علی علیه السلام هزار و سیصد سال قبل فرموده، یعنی در آن چهار دیوار مسجد کوفه خطبه‌هایی را ایراد کرده و بپعد جمع‌آوری شده، نامه‌هایی که به افراد گوناگون نوشته، و قرن‌ها بعد از هزار و سیصد سال مورد بررسی قرار می‌دهیم می‌بینیم که در هر جنبه شتاء کاربردی فوق‌العاده قوی دارد. ما کتابهای جالبی داریم، که در عصر ما مورد توجه بود بسیار جالب بوده، اما امروز فقط به عنوان یک کتاب ادبی مورد بحث قرار می‌گیرد، و کاربرد چندانی در زندگی امروزه مردم ندارد، ولی تمام نهج البلاغه می‌تواند در هر جا حضور داشته باشد، و می‌تواند در تشکیلات دولت، نهادها، فشر باشد، چنانچه قانون اساسی جمهوری اسلامی را در بسیاری از مسائل می‌توان از نهج البلاغه الهام گرفت، این دلیل بر این است که نهج البلاغه کهنه نمی‌شود قانون اساسی که بشر می‌نویسد ممکن است بعد از مدتی، پنجاه سال یا صد سال احتیاج به تغییر داشته باشد، اما این نامه یا فرمان به مالک خود را چنان جامعیتی برخوردار است که یک مسئله‌ای که قابل عمل و الهام‌بخش نباشد، در سرتاسر آن به چشم نمی‌خورد، همچنین است نهج البلاغه، به معنی جاودانگی است، یعنی همیشه تازه است، همیشه قابل بهره‌گیری است. است. است. قسمت دوم مسئله جامعیت نهج البلاغه است، می‌دانیم که نهج بلاغه از سه بخش: خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار، تشکیل شده است، و هر کدام از این سه بخش، سهم مهمی از زندگی انسان را می‌سازد، یعنی اگر این سه بخش، در زندگی انسان‌ها اجرا بشود به عقیده من هیچ کاستی و نقصی در

زندگی وجود نخواهد داشت. بخش اول که بخش خطبه‌هاست مربوط به ایدئولوژی، عقاید، معارف عالی اسلام، عرفان، مبدأ و معاد است که در عالی‌ترین شکلش بیان شده است، به عنوان مثال اگر خطبه اول را بررسی کنید می‌بینید که اگر تمام اندیشمندان جهان جمع شوند و درباره توصیف خداوند و مسائل مربوط به عرفان پروردگار سخن بگویند، نمی‌توانند به اندازه خطبه اول سخن بگویند: «الحمد لله الذی لا یبلغ مدحته القائلون، و لا یحصی عبادت عبادون، و لا یؤدّی حقّه المجتهدون، الذی لا یدرکه بعد الهمم و لا یدرک غیب الفطن» علی‌علیه دوازده صفت در این چند سطر اول خطبه برای خدا بیان کرده، که اگر روزها در شرح آن صرف شود باز هم حق مطلب چنان که باید نمی‌شود، همچنین خطبه قاصعه، خطبه اشباح، خطبه‌هایی که در مورد دربار روح کامل شناسایی خدا بحث شده، انسان را به یک عوالمی می‌برد، که بالا از آن اساس بشر را می‌ندارد. اگر کسی می‌خواهد خدا را بشناسد باید از قرآن این خطبه‌های نهج البلاغه و این توصیف علی‌علیه از خدا و مسائل مبدأ و معاد را که در این خطبه‌ها مطرح است، مورد مطالعه قرار دهد. قسمت دوم نهج البلاغه (نامه‌ها) بخش مسایل اجتماعی و سیاسی است. به عقیده من کسانی که به دست‌اندرکار مسایل سیاسی هستند، باید نامه‌های نهج البلاغه را مطالعه کنند و آن را در کار روزمره خود پیش چشم بدارند. عجایی در این بخش است، مسایلی الهام‌بخش و عمیق و واقعیت‌هایی که اگر در زندگی پیش شود با سیاسی آن به قدری قوی و نیرومند است که طالب را از هر چیز بجز نیاز می‌کند. بخش سوم نهج البلاغه کلمات قصار است، به عقیده من کلمات قصار، بخش خودسازی، انسان‌سازی و اخلاقی نهج البلاغه است، یعنی در خطبه‌ها معارف و عرفانمان را و در نامه‌ها مدیریت را قوی می‌کنیم، وقتی

بخواهیم خودمان را قوی کنیم و با توجه به مسائل اخلاقی خود را بسازیم باید به سراغ مسائلی که علی علیه السلام در بخش کلمات قصار بیان فرموده برویم. من به عنوان نمونه در اینجا بعضی قسمت‌ها را عرض می‌کنم، ما در بخش کلمات قصار بخشی داریم به عنوان وصایای پنجگانه، علی علیه السلام برنامه خم‌سازی انسان را در پنج جمله فشرده و کوتاه بیان کرده، گمان نمی‌کنم کمتر از این ما چیزی پیدا کنیم: «اوصیکم بخمس لو ضربتم الیها آباط الابد لکن ذلک اهللاً: لایرجون أحدٌ منکم إلا ربه و لایخافن إلا ذنبه و لایستحین أحدٌ منکم اذا سئل عما لایعلم ان یقول لا اعلم و لایستحین أحدٌ إذا لم یعلم الشیء من علمه و علیکم بالصبر فإن الصبر من الإیمان کالرأس من الجسد، ولا تحسب فی الجسد لارأس معه، و لا خیر فی ایمان لا صبر معه» از این بالاتر اصول خودساز را در کجا می‌توانیم پیدا کنیم؟ پنج اصل: اصل اول: ای انسان تکیه‌گاهت فقط زندگی نداشتا باشد و بس، تکیه‌گاه تو و امید تو و نیروی محرک وجودت جای پروردگار باشد: «لایرجون أحدٌ منکم إلا ربه» اصل دوم: ترس وحشت تنها از چه چیز؟ از تهدیدهای عوامل مادی؟ نه اینها وحشتناک نیست، اینها ترس است به نقطه اوج افتخار انسان منتهی بشود، فرمود: تنها یک چیز در عالم وحشتناک است و بس، و آن گناه توست، اگر گناه نباشد، و وحشتی در سرا زندگی تو نیست. «ولا یخافن الا ذنبه» اصل سوم و چهارم: که سئل تعلم، تعلم است. هر کدام از شما اگر مطلبی را نمی‌داند بگوید نمی‌دانم، و اگر کسی که از او سؤالی درباره مطلبی که نمی‌داند بشود، بی‌محایا بگوید نمی‌دانم نه استاد در تعلیمش ادعای علم کلی کند، نه شاگرد در تعلمش شرم و خجاستی

به خود راه بدهد. اصل پنجم: و آن در مسیر عمل و اجرا کردن آنچه می‌داند به کار می‌آید، و آن اصل، اصل استقامت است. «علیکم بالصبر». استقامت و ایستادگی، در مقابل حوادث، «إن الصبر من الایمان کالرأس من الجسد» همانطوری که فرماندهی کل بدن انسان در مغز اوست، یک ضربه مختصر بر مغز انسان، یک بخش از بدن انسان را تعطیل می‌کند، می‌فرماید: «فرماندهی ایمان انسان هم در استقامت و صبر است، اگر استقامت نباشد، ایمان نیست و تمام اصولش فرومی‌ریزد و از بین می‌رود» ملاحظه می‌نماید، سی پنجاه و پنج سخن کوتاه در مورد خودسازی بیان فرمود که عملی شدن آن برای ساختن یک فرد یا یک جامعه کافی است، جامعه هم باید «لایرجع عندکم الا ربه» باشد، جامعه هم باید از هیچ چیز جز گناه خودش و تنگناهایش نترسد، باید بر جامعه اصل تعلیم و تعلم حاکم باشد، باید اصل استقامت و صبر بر آن حکومت بکند. ما در نهج البلاغه، در کلمات قصار آمده داریم که فقط دو کلمه است، سید رضی آن مرد دانشمند آن نابغه عظیم وقتی به این دو کلمه می‌رسد، می‌گوید: «هر چه من بخواهم درباره عظمت این دو کلمه بگویم کم است، آنجا که علی می‌گوید: «تخففوا تلحقوا» ای مردم سبکبار شوید تا به قافله برسید و ملحق شوید، مسیر زندگی شما پیچ و خم و تراز و سبک دارد، گردنه‌های صعب‌العبور دارد، کسانی که بارشان سنگین باشد در پیچ و خم اول می‌مانند. ای انسانها: از این گردنه‌ها به راحتی نمی‌توانید بگذرید، سبکبار شوید تا از این گردنه‌های سخت زندگی به آسانی بگذرید»، سی و یکم از راه را تنها به یک فرد نمی‌گوید، بلکه به جوامع بشری هم می‌گوید، ای جوامع بشری که دست‌گذاری برای انواع و اقسام واه‌ها به سوی شرق و غرب دراز می‌کنید و در سایه شوم این واه‌ها وابستگی ایجاد می‌کنید، جامعه‌تان را سبکبار کنید،

زرق، و برق را از آن حذف کنید، زواید را از آن بردارید و سبکبار شوید، تا به مقصد برسید. امروزه دانشمندان علم اقتصاد، در مسائل اقتصادی بشر، مطالعه کرده، می‌گویند: مجموع زندگی اقتصادی بشر در سه قسمت خلاصه می‌شود: نیازها، مسائل رفاهی، و هوس‌ها. نیازها آن چیزی است که انسان برای زنده ماندن بدان نیاز دارد، مثل غذا، لباس، مسکن و دارو و بهداشت، و از آن مسائل رفاهی پیش می‌آید، بعد مرحله سوم یعنی هوس‌ها مطرح می‌شود. پیش از چشمی‌ها، رقابت‌ها و خیالات واهی، آنها طبق محاسبه‌ای که از دل آتری که ده‌اند، بدین نتیجه رسیده‌اند که بخش سوم، مهمترین بخشی است که مردم هوس‌های بشر را به خود جذب می‌کند، یعنی ثروت‌ها جذب هوس‌ها می‌شوند. بخشی که کمترین حجم ثروت را به خود جذب می‌کند، بخش اول است، یعنی ضرورت‌ها و نیازها. امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «تخففوا تلحقوا بالصفاء» با زیند هوس‌ها را حذف کنید، و مسائل رفاهی را که باعث وابستگی می‌شود، حذف کنید، و به خاطر آن زیر سیطره اقتصادی قرار نگیرید، سبک‌بار بشوید و به سرمزل مقصود و سعادتتان برسید.

قسمت سوم، مسئله عینیت و واقع‌گرایی است. قرآن مجید که پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله آن را به عنوان نبی جاودانه در جهان بشریت تاباند، نهج‌البلاغه از عینیت و واقع‌گرایی عجیب برخوردار است. کتاب در دنیا زیاد نوشته شده وقتی انسان آن را می‌خواند تحت تأثیر واقع می‌شود، و در مرحله عمل؟ طرحی است زیبا، اما واقع‌گرایی در آن نیست، کتابی، مهم و ارزشمند است که در عین جامع و جالب و زیبا بودن قابل عمل باشد، نهج‌البلاغه و برنامه‌های نهج‌البلاغه چنین است، انسان هر چه بخواهد می‌تواند از نهج‌البلاغه بردارد و در زندگی خود عمل کند، در

اینجا ذکر یکی دو نمونه لازم به نظر می‌رسد. علی علیه السلام جمله‌ای را از سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله در نامه به مالک اشتر فرموده است: «ای مالک من این مطلب را به تو می‌گویم، که اگر در هر جامعه‌ای حق ضعیفان از اقویاء و زورمندان با قاطعیت تمام گرفته نشود آن جامعه روی آسایش و امنیت نخواهد دید.»

«لن تقدس أمة لا يؤخذ فيها حق الضعيف عن القوي غير متعبر» ملاحظه می‌کنید که چقدر واقعیت‌گرایی دارد، اگر به تمام دنیا نگاه کنیم، می‌بینیم که علت بسیاری از آوارگی‌ها در سطح جهان، پایمال شدن حقوق ضعیفان به وسیله زورمندان است، و او فریاد می‌کشد: «لن تقدس أمة» امتی که به پا نخیزد و حق ضعیف را از نیرومند نگیرد پاک نمی‌شود، آلوده، ناآرام و نابسامان است. همیشه اضطراب بر آن حاکم است، این معنی واقعیت‌گرایی است، چیزی است که در تمام زندگی انسان‌ها حلول کرده است، اما نمونه‌ای دیگر عرض کنم. علی علیه السلام نامه مالک اشتر مردم را به دو گروه تقسیم می‌کند، خاصه و عامه. برای خاصه وکالت ویزگی می‌گوید، برای عامه و توده مردم سه ویزگی. فرمود: «ای مالک من به تو می‌گویم که مردم دو دسته‌اند، عده‌ای از مرفهین و صاحبان زندگی پرزور و ثروت، که هفت اشکال در زندگیشان است، عده‌ای هم مستضعفین و توده‌ای که بی‌سهمیت که دارای سه ویزگی‌اند، من اینها را برای تو می‌شمارم تا با کسی آت آن مرفهین توی یک جوی نمی‌رود هر چه هست در وجود این مستضعفین است»، فرمود: «ليس أحدٌ من الرعية أنقل على الوالي مؤنة في الرخاء» من مرفهین که تعبیر به (خاصه) فرموده است، اولین اشکالشان این است که بار و زندگی بر دولت از همه سنگین‌تر است، آب و برق و میوه را از همه بیشتر مصرف می‌کنند، خانه‌های چند هزار متری دارند، اصلاً بار اینها را دولت می‌کشد، گاهی می‌شود که یک خانواده از اینها به اندازه پنجاه خانواده مستضعف بار

بر دوش حکومت دارد. «و اقل معونة فى البلاء» ولی مشکلات که پیش می‌آید این قشر از همه کمتر کمک می‌کنند. حال مقایسه کنید، علی علیه السلام می‌فرماید: «دومین ویژگی اینها این است که در عین اینکه از همه توقع‌ترند کمکشان از همه کمتر است» سوم: «و اگره للانصاف»، اینها - مرفعی - انصاف و عدالت را نمی‌پسندند. اصلاً نمی‌خواهند دیگران هم از مافیای اجتماعی برخوردار و بهره‌مند باشند. همیشه خودشان را از همه برتر می‌دانند و حکومت امتیاز می‌طلبند. چهارم: «و أسأل بالاحاف»، در تقاضاهای آنان همه بیشتر اصرار و پافشاری دارند. قدرت و امکانات حکومت و ملت را در نظر نمی‌گیرند، متأسفانه غالباً خودشان نیازهای حیاتی توده مردم را فراموش کرده‌اند ولی چیزی که از خاطرشان فراموش نمی‌شود درخواست‌های گوناگون و فراوان آنهاست. پنجم: «و اقل شکرا عند الاعطاء»، وقتی چیزی به ایشان بدهی، سپاسگزاریشان از همه کمتر است، بلکه یک چیزی هم طلبکارانند. بگویند که: ما به این مملکت چنین و چنان خدمت کرده‌ایم، این چیزی که به ما داده‌اند خیلی کمتر از آن است که باید می‌دادند. ششم: «و أبطأ عذرا عبد المنان»، علیه السلام می‌فرماید: «اگر یک چیزی مصلحت نیست که به او بدهی، هرگز عذرخواهی کنی نمی‌پذیرد، اگر به او بدهی شاکر نیست، و اگر بدهی عذرپذیر نیست» آخرین ویژگی‌های آنها «و أضعف صبرا عند ملومات بدهی» است، یعنی وقتی یک بلایی می‌آید، کسانی که بیش از همه بی‌صبری و بی‌تابی می‌کنند، همین مرفعی هستند. ویژگی عامه می‌فرماید: «انما عمود الدین رجاء المسلمین و العدة للأعداء العامة من الأمة» توده مردم دارای این سه ویژگی هستند: هم عمودالدین‌اند، هم استخوان‌بندی جامعه هستند و هم نیرویی مقابل دشمن، در اینجا سخن بسیار است، و وقت اندک... به هر حال من

فکر می‌کنم که اگر این واقعیت‌های عیسی را از نهج البلاغه استفاده کرده و منعکس کنیم، اقشار جامعه فاصله‌شان را با نهج البلاغه کمتر کنند، و بیشتر الهام بگیرند، مشکلات جامعه هم، همه در پرتو قرآن و نهج البلاغه قابل حل است.

### مخاطبان نهج البلاغه بعد از ۱۴۰۰ سال :

از آنجایی که امروزه در محافل علمی بسیار مورد توجه است تغییرات چهارم و پنجم به دنیای جدید می‌باشد. از آنجا که منابع دینی جاودان می‌باشند در هر عصر و زمانی گذار به جهان جدید مستلزم بازبینی‌اند تا این جاودانگی دچار خلل نگردد. مضامین نهج البلاغه در حدود ۱۴۰۰ سال قبل بیان شده و سپس در حدود هزار سال پیش توسط سید شریف رضی رحمه الله جمع آوری گردیده است. از آنجایی که قرآن و غبار ایام رهایی یابد. همه ما می‌دانیم که حضرت علی علیه السلام می‌زیسته‌اند که جامعه عرب به تازگی از خصایص جاهلی رها شده بود. سخن گفتن با این مردم نمی‌تواند چندان خالی از دشواری باشد. اما واضح است که کلام امیرالمؤمنین علی علیه السلام تنها برای شنونده همزمان او نیست، این سخنان می‌تواند قابلیت تسری در امتداد زمان پیدا کنند. اینک در اوان قرن پانزدهم هجری ما این سخنان را پیش روی خود داریم. دلایل فراوان عقلی و کلامی ما را وادار می‌کند که این بیانات را فرا راه خود قرار دهیم و از آنها راهنمایی بجویم. دلیل بر آنکه بخش زیادی از این کتاب حاوی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ختم نبوت است و می‌تواند در حیات جمعی مورد استفاده واقع شوند. بنابراین، شاید استفاده از این کلمات در قالب‌های جامعه شناسانه خالی از فایده نباشد. از منظر ادبیات مقایسه‌ای و جامعه شناسی مقایسه‌ای همه آثار کلاسیک ادبیات

جهان دارای یک ویژگی مشترک اند. تمامی این قبیل متون اعم از متون مقدس و ادبی کاملاً به مکان، زمان، شرایط، فرهنگ و جهان بینی خاصی تعلق دارند. بدان معنی که وقتی هر یک از این آثار را مطالعه می‌کنیم گویی در آن زمان قرار گرفته ایم. شرایط اقلیمی، فرهنگی و تاریخی همگی برای ما زنده می‌شوند. پس این آثار در درجه اول کاملاً تخصیص به زمان و مکان و فرهنگ خاص دارند و از سوی دیگر این متون دارای خصلت عمده است، و با همه زمانها و مکانها سخن می‌گویند. برای همه زمانها و همه مکانها زنده می‌مانند. اگر چه این دو ویژگی با یکدیگر در تضاد هستند ولی متناقض نیستند. پس خصیصه‌ای از آن انواع ضدیت است که زاینده و الهام بخش است. عقیده نهج البلاغه از جمله آثاری است که این ویژگی را دارا می‌باشد یعنی در بین حال به یک زمان بسیار حساس از تاریخ تخصیص دارد و آن همان است که مورد بحث و مناقشه بسیاری از مسلمین و غیرمسلمین است. شخصیات و افراد زیادی که در این کتاب از آنها نام برده شده در تاریخ اسلام از شخصیت‌ها و افراد کلیدی اند. آن دسته از اصول اخلاقی که در نهج البلاغه مطرح شده، چگونگی‌هایی که از آنها یاد شده، خاطراتی که مطرح شده‌اند و ... تمامی اینها را باید به مکان و جهان بینی خاص و دنیای مشخصی می‌برند. درسی که مسلمانان جهان از این کتاب می‌گیرند این است که چگونه آن ایده‌ها و آرمان‌ها را از دنیای زمانی پر از تنش‌ها و جدال‌ها پیاده می‌شوند.

درس دوم، آن است که پیام فرازهائی از نهج البلاغه برای خواننده چیست؟ ویژگی تعمیم و تخصیص که در آن واحد هر دو را در نهج البلاغه می‌بینیم یکی از مهم‌ترین خصوصیات این کتاب برجسته است. ما خواه مؤمن به اسلام باشیم و خواه نباشیم می‌توانیم از این ویژگی بهره بجوئیم

کسانی که تلاش کرده‌اند تا روح اسلام را بفهمند به حضرت علی علیه السلام بسیار توجه داشته‌اند. آقای پطروشفسکی در کتاب اسلام در ایران توجه خاصی به گفتار و رفتار حضرت علی علیه السلام دارند. در حقیقت، حضرت علی برای آقای پطروشفسکی ملجائی برای فهم اسلام بوده است. با ملاحظه دیدگاه‌ها رویکردهای جدید که به آن هرمنیوتیک Hermeneutics گفته می‌شود مطالعه می‌شوند. ما می‌توانیم به منابع فرهنگی خویش از جمله به نهج البلاغه برگردیم و به قول مرحوم دکتر شریعتی آنها را مورد تصفیه و اسیراج قرار دهیم و در این رابطه می‌توانیم از نهج البلاغه دو سؤال داشته باشیم:

اول آنکه متن این گفتارها برای کسانی که به طور بلاواسطه مخاطب آنها بوده‌اند چه معنی داشته است؟ آنها این بیانات را چگونه می‌فهمیده‌اند. دوم آنکه این مضامین برای ما چه معنایی می‌توانند داشته باشند. ما که در دنیای دیگری زندگی می‌کنیم، دیدگاهی دیگری داریم و با مقدمات و جهان بینی دیگری این سخنان را می‌توانیم از آنها چه استفاده‌ای می‌توانیم به عمل آوریم. در رفت و برگشت بین این دو سوال ما به نوعی معرفت و اشراق هرمنیوتیک می‌رسیم و وارد نوعی دالمت‌ها با این کتاب مقدس می‌شویم. سؤال اصلی این است که چه ویژگی‌هایی در سراج البلاغه وجود دارد که پس از گذشت هزار سال از گردآوری آن توسط سید الفیاض رضی هنوز برای ما نو و زنده است. چند نکته در اینجا قابل بررسی است. یکی آنکه متن اساسی همه مسلمانان دنیا قرآن کریم است و برای فهم این کتاب به یک فرهنگ تاریخی از واژه‌های قرآن کریم نیاز است. مثلاً گفته می‌شود که اگر بخواهید شاهنامه فردوسی را بفهمید باید فرهنگ لغات و اصطلاحات قرن پنجم را داشته باشید. از آنجایی که فردوسی در قرن پنجم زندگی کرده

است باید ببینیم که این واژه‌ها در آن قرن چگونه استفاده می‌شده‌اند. می‌دانید که واژه‌ها در طی زمان ممکن است واقعاً چندین بار معنایشان عوض شود. به عنوان مثال امروزه در کشورهای عربی کلمه «ارهاب» به معنای ترور و تروریسم به کار می‌رود. این کلمه در قرآن نیز به کار رفته است «ترهبون به عدوا» ترهبون یعنی شما به وسیله آن دشمنان خدا را ترسانید. این یک نوع تایید برای آن عمل است. اما در قرن بیستم است که این کلمه معنای ترور دارد در حالی که در زمان پیامبر ﷺ این معنا را نداشته است «ارهاب» یعنی «ترساند» نه اینکه «ترور کرد». این معنی مستحدث و جدید است. در قرآن گفته نشده است که ترور می‌کنید. در هیچ یک از مواردی که در قرآن پیامبر ﷺ کلمه «ارهاب» به کار رفته به معنای ترور استعمال نشده است. بنابراین متوجه می‌شویم که داشتن فرهنگ تاریخی چقدر حائز اهمیت است. یک فرهنگ لغوی که به ما نشان می‌دهد این واژه‌ها در زمان پیامبر اکرم ﷺ به چه معنایی به کار رفته است. واژه «ارهاب» در قرآن کریم و در صدر اسلام و حتی مدت‌ها پیش از پیامبر اکرم ﷺ و پس از ایشان هیچگاه معنای ترور نداشته است. این معنا خیلی شبیه به آن کلمه‌ای است که به عنوان (Deterance) ترجمه می‌یروند. خیلی جالب است بدانیم واژه‌هایی که در قرآن به کار رفته در چه معنایی استعمال شده‌اند. برای اینکه این بحث شکل کاملاً سیاسی نداشته باشد مثال دیگری بیان می‌شود: یکی از چیزهایی که قرآن حرام کرده «ربا» است. ربا آنچه که امروزه در بانکداری نظام سرمایه داری یا مثلاً در قرن بیستم از ربا می‌فهمیم با ربایی که در زمان پیغمبر اکرم ﷺ مطرح بوده است بسیار متفاوت است. در عرصه واژه شناسی باید دقت کنیم که ربا به چه معنایی به کار می‌رفته است که حرام بوده معنای رباخواری در عصر پیامبر اکرم ﷺ

چه بوده است. تمام آیاتی که دربارهٔ ربا است ناظر به این معنا هستند که کسی که بیچاره و فقیر است و برای معیشت خویش به پول احتیاج دارد از او ربا نگیرید، بلکه به او صدقه بدهید و اتفاق کنید. در قرآن کریم شاید ۳۰ مورد آیات قبل و بعد از آیهٔ مربوط به ربا تماماً دربارهٔ اتفاق و صدقه است. اما امروز در نظام سرمایه داری، فردی می‌آید و می‌گوید من مبلغ یکصد میلیارد تومان پول برای احداث کارخانه لازم دارم. شما باید این پول را بدون بهره من بدهید چون ربا حرام است. ما در پاسخ می‌گوئیم شما می‌توانید برای خودتان کارخانه تولیدی احداث کنید ما چرا پول بدهیم حتی ممکن است داخات این پول ثوابی هم نداشته باشد. کلمه ربا در عصر پیامبر ﷺ معنا خاص داشته و امروز نیز با پیدایش نظام سرمایه داری نمی‌توانیم هر افزونی را ربا بنامیم. من این مقدمه و دو مثال را در مورد «ارهاب» و «ربا» مطرح کردم تا بگویم که یکی از متن‌های متقن مسلمین برای فهم قرآن، کتاب نهج البلاغه است. نهج البلاغه روح قرآن است. گفته شده که نهج البلاغه «نهی القرآن» است و به واسطه عقد اخوتی که در آن زمان خواندند امیرالمؤمنین علیه السلام بر سرش پیامبر ﷺ است، ایشان داماد پیامبر ﷺ است، پسر عموی پیامبر ﷺ است، از کودکی در دامان پیامبر ﷺ پرورش یافته و پیامبر ﷺ نیز از کودکی در دامان پدر امیرالمؤمنین یعنی ابوطالب رشد پیدا کرده است. حضرت ابوطالب برای پیامبر ﷺ سمت پدری دارند و سرپرستی نبی اکرم را بر عهده داشته‌اند. هم ایشان فرزند حضرت ابوطالب است و هم امیرالمؤمنین علیه السلام فرزند ایشان است. فرهنگ لغات پیامبر اکرم ﷺ و علی علیه السلام خیلی به هم نزدیک است، واژه‌هایی که استفاده می‌کنند و معانی‌ای که مراد می‌شوند شبیه به یکدیگرند. یکی از ویژگی‌های نهج البلاغه آن است که یک فرهنگ لغت همزمان با

قرآن و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است، خواه از لحاظ نزدیکی خود حضرت امیر با پیامبر و خواه از لحاظ نزدیکی مفاهیم و واژه‌هایی که در این دو کتاب به کار رفته اند. از این حیث نهج البلاغه می‌تواند برای ما خیلی مفید باشد. در اینجا با علم لدنی و امامت حضرت علی علیه السلام کاری ندارم و اصولاً فرض کرده‌ام که ایشان امام نیست. حتی لازم نیست که به علوم الهی حضرت علی علیه السلام استناد کنیم، و این در مورد اشخاص معمولی هم صدق می‌کند. کتاب نهج البلاغه بهترین متنی است که به عنوان حدیث در اختیار ما قرار دارد، که هر کس می‌توان آن را بهترین تفسیر قرآن کریم به حساب آورد. برای آنکه اثبات کند علی علیه السلام معنای کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بهتر از هر کس دیگر درک می‌کرد، به این روایت توجه کنید. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با اصحاب خود سخن می‌گفتند فقیری آمد و گفت «اعطنی» یعنی از حضرت کسک خواست. پیامبر فرمود: سبک باش. اما فرد باز هم گفت «اعطنی» و ادایه داد که شما اغتیا جواب فقرای فقید و شروع کرد به زبان درازی. وقتی این شخص الحاح و اصرار خود را به نهایت رسانید پیامبر فرمود یا علی «قم فاقطع لسانه»، علی بلند شو و زبان را قطع کن! حضرت امیر برخاست و دست آن شخص را گرفت و از مجامع بیرون برد. حاضران منتظر بودند که ایشان چگونه زبان او را قطع خواهند کرد. لحظاتی بعد حضرت آمدند و ذوالفقارشان هم خون آلود نبود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به علی فرمود: چه کردی؟ ایشان عرض کرد: از وضع و حالش جو شدم و متوجه شدم که محتاج و فقیر است و حاجتش را برطرف نمودم و او به سلامت رفت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوب کردی مراد من هم همین بود. باید اگر کس دیگری بود زبان آن فقیر را می‌برید. اما حضرت علی علیه السلام می‌داند که منظور پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که زبان اعتراض را کوتاه کن.

حضرت علی علیه السلام معنای کلمه «قطع» را در جمله «قم فاقطع لسانه» می‌فهمد و از این رو ما می‌توانیم برای فهم مراد و مقصود پیامبر از نهج البلاغه بهره‌های زیادی ببریم. در علم هرمنیوتیک و علم تفسیر جدید مفهومی به نام «زمینه گفتار» یا Context وجود دارد. هیچ گفتاری در خلاء معنا ندارد هر گفتاری جنبه تاریخی، فرهنگی، جغرافیایی ویژه خود را دارد که المانی‌ها Weltaanschauung می‌گویند، که به معنای نوعی جهان بینی اختصای هر مکان و زمان خاص است. فهم یک متن، به ویژه متنی که در ویران‌های زمان و مکان و جهان بینی ما نوشته شده ممکن است ما را از معنای آن متن جدا سازد. همانطور که گفته شد امکان دارد ما دچار سوء تفاهم بشویم. یک موضوع که برای ما مهم است یا در زمان ما معنا دارد ممکن است در زمان و مکان دیگر معنا نداشته باشد یا معنای دیگری داشته باشد و حتی معنایش بکوبان باشد. در هرمنیوتیک می‌گویند که فهم یک متن به معنای مذاکره با آن است. بنابراین در اینجا گفتگو رخ می‌دهد و برای گفتگو دو طرف لازم است، یک طرف text یا متن و طرف دیگر هم خود شما. در هرمنیوتیک دو سؤال وجود دارد:

سؤال اول آنکه این متن برای مردم آن زمان چه معنایی می‌توانسته داشته باشد.

سؤال دوم آنکه این متن برای ما چه معنایی می‌توانسته باشد.  
در مورد قسمت اول باید گفت که با توجه به اهمیت قرآن برای ما به عنوان متن اصلی دارد این امر از نهایت اهمیت برخوردار است که ما بتوانیم کلام قرآن در چه متنی و چه شرایطی گفته شده است. کدام قرآن بهتر از اینکه در کلام حضرت علی علیه السلام و در زمان حیات ایشان نه فقط کلام پیامبر صلی الله علیه و آله بلکه روحیه، احوال و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله را ملاحظه نمائیم. این

است که کلام نهج البلاغه اگر چه همانند کلام قرآن «قطعی الصدور» نیست ولی جاری شدن این کلمات معاصر قرآن از «ظنی الدلالة» بودن آن می‌کاهد، چرا که می‌بینیم قرآن چگونه در شخصیت، رفتار و گفتار حضرت علی (علیه السلام) منعکس شده و چگونه آموزه‌های قرآنی در یک زندگی پرآشوب و پردرد به منصه ظهور رسیده‌اند. در حقیقت، این دو همچون آینه‌ای هستند که در هم منعکس شده‌اند، اهمیت پیامبر اسلام و متن قرآن اهمیت نهج البلاغه را برای آشکار می‌کند. نهج البلاغه انعکاسی از قرآن است توجه بفرومائید که نهج شریعت مسلمانان، معنای مسلمانی در قرن بیست و یکم چیست؟ پاسخ به این سؤال در گرو ایجاد یک حلقهٔ هرمنیوتیکی بین مسلمان آن روز با مسلمان امروز است. ما این بخت خوش را داشته‌ایم که در کنار قرآن مجید، کتب، احادیث، بیوگرافی، حتی دردها و شکایات پسرعموی پیامبر، داماد ایلان برادر ایش، همزمان و هم قبیله وی را داشته باشیم. به یمن زحماتی که در سیدرضی کشیدند گفتار حضرت علی (علیه السلام) از ورای حجاب قرون و اعصار به دست ما رسیده است و به ما کمک می‌کند که پیام قرآن و اسلام را بهتر درک کنیم و چه زیان بزرگی خواهد بود اگر این را مغفول بداریم. درک فرهنگ هر یک از لحاظ فرهنگی و هم از لحاظ واژه‌شناسی برای فهم این کتاب به ما کمک می‌کند و فکر می‌کنم که در اینجا استفاده از علم زبان‌شناسی Linguistics می‌تواند کمک کند. با این رویکرد در حقیقت ابزاری فراهم می‌شود که باید به سراغ آن رفت. مثلاً ملاحظه می‌کنیم که «ربا» در آن زمان چه معنایی داشته و در زبان حاضر چگونه می‌توانیم آن را تطبیق بدهیم و این قدم بسیار اساسی است. وقتی می‌گوئیم باید با متدولوژی و عینک خاص به این اثر کهن نگریست افق جدیدی پیدا می‌شود و باید عده‌ای در این وادی گام بگذارند. البته این

یک جهت کار است، یعنی ضرورت و اهمیت نهج البلاغه که در تفسیر قرآن بکار می‌آید و به عنوان قابل اتکاترین اثر و نیز کتابی که قرائن حالیه و مقالیه قرآن را توضیح می‌دهد حائز اهمیت است. گفتیم این امر مختص امامیه نیست و ما به مقامات خاص امام استناد نکرده‌ایم، بلکه برای درک اغراض و بیانات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌توانیم از نهج البلاغه بهره بگیریم.

غالب سخنانی که در نهج البلاغه نقل شده به دوران حکومت حضرت علیه السلام باطو است. اگر آمارگیری کنید خواهید دید که این سخنان به دوری از خلفای سه گانه تعلق دارند. حضرت علی علیه السلام خطبه نمی‌خواندند. بیعت علنی نمی‌کردند، نامه نمی‌نوشتند. نهج البلاغه محصول ۵ سال حکم آن حضرت علیه السلام است. این پنج سال در تاریخ اسلام ویژگی خاصی دارد. وقته است که حکومت آرمانی و ایده آل سخن می‌گوئیم یاد حضرت علی علیه السلام و اسرار و مآثر ایشانش در ما زنده می‌شود. دوران خلفای دیگر و نیز حکومت‌های جور و ظالمانه که بر مسند قدرت بودند و نیز به واسطه جور و جفاهایی که می‌کردند هیچیک بر مبنای توحید و قرآن نبوده و بلکه در تعارض شدید با آن بوده است. مثلاً یزید می‌گفت شراب در اسلام حرام است اشکالی ندارد، ما آن را برآیند صبح می‌خوریم و اینان همه پیامبران عظیم الشان اند. حتی می‌گفت: «بیت الله بالملک فلا خیر جاء و لا وحی نزل.» بنابراین اگر کسی بخواند اسلام را که در عمل پیاده شده است مورد ملاحظه قرار دهد، لین دوره پنج ساله را از سایر موارد مطالعه قرار دهد. این دوران را می‌توان دوران اسلامی نامید. هم از یک سو حکومتش الهی است و هم مردمی.

در نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام نصایح، مواظظ، نامه به فرمانداران و استانداران و نامه به مخالفین خودشان را مطرح کرده‌اند و در این کتاب گرد

آمده است. نهج البلاغه به کار کسانی می‌آید که به دنبال آرمان‌های حکومت دینی اند. این کتاب ابعاد مختلف آن را اعم از اجتماعی، اقتصادی، جنگ، مخالفین و موافقین را بازگو می‌کند، اینکه استانداردها چه اموری را باید رعایت کنند، اهداف ایشان چه باشد و ... اهمیت نهج البلاغه به واسطه آن است که ابعاد تربیتی، اخلاقی، روحانی، دینی، سیاسی و نظامی اسلامی را بیان کرده است. به عنوان مثال در نامه امیرالمؤمنین (علیه السلام) به مالک اشتر شرط اول ملک، نحوه مواجهه با عالمان، با یهود، با نصاری و رعایا و وظایف آن رعیت و غیره همه آمده است. ایشان می‌فرمایند: «و لا تکن علیهم سبعا ضلالتهم اکلهم، فانهم صنفان: اما اخ لك فی الدین، او نظیر لك فی الخلق.» «این فرموده این مردم که تو بر آنان حکومت می‌کنی یا برادر دینی تو هستند یا آنکه در آفرینش نظیر تو می‌باشند. اگر به چنین رویکرد نایل شویم در آن صورت حقوق شهروندی مسلمانان، مسیحی و یهودی در جمهوری اسلامی برقرار می‌گردد. این رویکرد موجب تساوی حقوق شهروندی در جوامع مختلف باشد و مسلمانان و مسیحی و غیره امتیازی نسبت به هم نداشته باشند و شهروندان درجه بندی نشوند. بنابراین، یکی از دلایل اهمیت نهج البلاغه آن است که بعد از رهای از زمان مربوط است که حضرت علی (علیه السلام) در مصدر حکومت قرار گرفته و حقایق اسلامی را در ابعاد اجرایی بازگو کرده اند. نهج البلاغه برای استاندارداران بسیار قابل استفاده است، چون حضرت امیر در نامه ۴۵ نهج البلاغه استاندار خویش عثمان بن حنیف انصاری مطالب ارزنده‌ای را آورده می‌کنند، همچنین نامه ۵۳ که به عهدنامه مالک اشتر معروف است، نامه‌ای

دارند به مخالفین خودشان مثلاً به معاویه، که برخی از آنها اخلاقی و برخی دیگر مواعظ اند. اگر دین به جنبه عملی تعالیم خود نپرداخته باشد، نقص است. نهج البلاغه واجد جنبه‌ی عملی تعالیم قرآن کریم است.

جنبه سوم: نهج البلاغه احکام اصلی و فرعی دین را بیان می‌کند می‌دانیم که پیامبر ﷺ در زمان خودشان به برخی کارها امر می‌فرمودند و از برخی کارهای دیگر نهی می‌کردند، مردم نیز به آن اوامر و نواهی به عنوان تکالیف این امر عمل می‌کردند. اما بعد به عصر دیگری وارد می‌شویم که حدود ۳۰ سال بعد از زمان پیامبر اکرم ﷺ فاصله دارد و نسل نیز عوض شده است. حضرت امیر ﷺ به بعضی از کارها را که در زمان پیامبر ﷺ انجام می‌شده به همان صورت توصیه می‌فرموده‌اند و از برخی نیز نهی می‌کرده‌اند. به عبارت دیگر برخی از دستورات پیامبر اکرم ﷺ لازم الاجرا و همگانی است و به همه‌ی زمانها و مکانها اختصاص دارند اما برخی از آنها اینگونه نیستند و به زمان و مکان خاص بستگی دارند. در این باره که دستورات پیامبر اکرم دو گونه است ناگزیر از ارائه مثال هستیم تا اشکالی ایجاد نشود. آنچه در مورد حجاب اهمیت دارد پوشیدگی است، اما اینکه جلیب باشد یا چادر یا عبا و ... در هر یک تصریحی در قرآن نیامده است. در زمان پیامبر اکرم ﷺ به نحوه عمل می‌آمده و امروزه در کشورهای مختلف نیز به گونه‌ای دیگر عمل می‌شود. آنچه در اسلام اهمیت دارد اصل حجاب است و نحوه آن بستگی به زمان و مکان دارد نمی‌توانیم بگوئیم پوشش کت و شلوار و یا مانتو و روسری در زمان اسلام قابل قبول نیست.

مثال دیگر خضاب کردن محاسن است. این از احکام اصلی و همیشگی اسلامی نیست که محاسن را خضاب کنند. می‌دانیم خضاب کردن در زمان

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرسوم بوده است اما یکی از کارهای انقلابی و اجتهادی حضرت علی علیه السلام این بوده که ریش خودشان را خضاب نمی‌کردند و در نهج البلاغه نیز آمده است، که به حضرت گفتند «لو غیرت شیبک»، اگر محاسن خودتان را خضاب کنید خیلی خوب است چون پیامبر نیز بدان دستور داده بود. حضرت در جواب می‌فرمایند: بلی پیامبر این مطلب را فرمودند اما در آن زمان، مسلمین در اقلیت بودند و اسلام هنوز استقرار پیدا نکرده بود. برای اینکه عدل مسلمین به چشم بیاید واجب بود که ریش خودشان را خضاب کنند اما کتب مسلمانان منتشر شده‌اند و دین و حکومت اسلام مستقر شده است، بنابراین این عمل است و اختیارش، خواه خضاب بکند یا نکند. نهج البلاغه منبعی شریف در آن زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که می‌تواند درجه اجتهاد در آداب و رسوم و جمع جود پیروی از رفتار پیامبر صلی الله علیه و آله را به ما نشان بدهد.

برخی از رفتارها به اوضاع سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی بستگی دارد و باصطلاح مربوط به زمان تاسیس است و نه زمان استقرار. در اینجا نوعی آزادی فردی هم نهفته است، مرد اختیاری است که خضاب کند یا نه، لباس سفید بپوشد یا رنگی و ... واضح است که در لباس سرد نمی‌توان از عبا بلند و گشاد استفاده کرد، چون عبا همچون بادپیر بل می‌کند و باعث خنک شدن بدن انسان می‌شود و مثلاً در آلاسکا نه می‌توان از عبا استفاده نمود، یعنی نمی‌توان گفت به صرف اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله عبا می‌پوشیدند همه در پوشش باید به ایشان تاسی کنند. اولاً معنی عبا و عمامه در طی هزار سال تغییر کرده است. ثانیاً دلیلی بر این امر نداریم که

هر کاری را که پیامبر انجام می‌داده‌اند ما هم باید آن را انجام بدهیم. مثل خضاب کردن که از نهج البلاغه می‌توان دریافت که واجب تبوده است.<sup>۱</sup>

---

۱ - نشریه النهج شماره ۱۵-۱۶ برداشتی از بیانات سه تن از اندیشمندان برجسته ی دین آقایان دکتر محمود صدری استاد دانشگاه تگزاس و دکتر منصور پهلوان استاد دانشگاه تهران و دکتر سعید وصالی استاد جامعه شناسی دانشگاه علامه طباطبائی